

پیامدها، تدابیر و سیاست جنایی داخلی و بین‌المللی در قبال پدیده‌ی قاچاق انسان

محمدرضا پورقربانی*

احمد پوراابراهیم**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۲

چکیده

حفظ کرامت بشر و احترام و التزام به آن، یکی از اصول بنیادین ادیان الهی و اسناد بین‌المللی حقوق بشر محسوب می‌شود. بهره‌مندی از فضیلت‌های ارزشمند اخلاقی و الهی به منظور فراهم نمودن زمینه‌های رشد و تعالی بشر منحصراً در پرتوی حفظ حقوق اولیه و توجه به اصل کرامت ذاتی بشر است؛ بر همین اساس مفهوم حقوق بشر و موضوعات آن و التزام به رعایت آن امروز در نظام بین‌المللی و نظام‌های ملی حقوقی از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. نفی هرگونه استثمار، بهره‌کشی، تحقیر و شکنجه از جمله اولین لایه‌های زیربنایی حقوق انسان‌ها محسوب می‌شود که به‌عنوان حقوق بشر سلبی یا نیایدهای اجتماعی از آن یاد می‌شود؛ اگرچه به تعبیر «ژان ژاک روسو» فیلسوف و حقوقدان شهیر فرانسوی در قرن هجدهم، بشر آزاد زاده می‌شود؛ اما در پروسه زندگی اجتماعی و تطبیق با شرایط اجتماعی، به انحای مختلف از فطرت پاک خویش منحرف می‌شود. انسان‌های بی‌شماری در جهان امروز در معرض ظلم و اجحاف و حتی درجات مختلفی از مصادیق بردگی از جمله تحقیر و ذلت و تن‌فروشی قرار می‌گیرند. پژوهش حاضر، تلاشی است در جهت تحلیل پیامدهای جبران‌ناپذیری است که این پدیده بر جامعه‌ی بشری به بار می‌آورد و همچنین در فراسوی آن، نگاهی به تدابیر و سیاست‌های کیفری ملی و فرا ملی در قبال این پدیده دارد.

کلید واژگان: قاچاق انسان، بردگی نوین، فحشا، روسپی‌گری، کنوانسیون‌های بین‌المللی، جرایم سازمان‌یافته

M.poorghorbani14@yahoo.com
Purebrahim.ahmad@yahoo.com

* قاضی دادگستری (نویسنده مسؤل).
** قاضی دادگستری.

مقدمه:

پدیده‌ی قاچاق انسان به قصد فحشا و بهره‌کشی جنسی، یکی از اقسام قاچاق انسان در سطح بین‌المللی و در زمره‌ی جرایم سازمان‌یافته‌ی فرا ملی محسوب می‌شود. این پدیده امروزه در کشورهای مختلف و از جمله در کشور ما ایران، به عنوان یک معضل بزرگ و درگیرکننده، نظام‌های حقوقی را به خود مشغول کرده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل مجلس شورای اسلامی، تدوین‌کنندگان قانون مجازات اسلامی با توجه به اصول قانون و تبعیت از موازین شرعی، در جهت حفظ و حمایت از ارزش‌های معتبر اخلاق اسلامی در مقررات قانون مجازات اسلامی، ارتکاب هر نوع اعمال منافی عفت و اخلاق عمومی را بر حسب مورد، جرم‌انگاری کرده‌اند. این مقررات در داخل کشور به مورد اجرا گذاشته می‌شود اما در خارج از کشور به دلیل حاکمیت اجرای ماده‌ی ۳ ق.م.ا. جز در برخی موارد قابلیت اجرا ندارد.

افزایش قاچاق زنان و دختران ایرانی به خارج از کشور از یک سو و خلاء قانونی جامع و مناسب در خصوص قاچاق انسان به‌ویژه قاچاق زنان از سوی دیگر، باعث شد که سرانجام، قانون مبارزه با قاچاق انسان در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۲۸ به تصویب برسد. این قانون تاحدودی توانست این خلاء را پر کند؛ اما ابهام‌های بسیاری را بر جای گذاشت و نتوانست به طور کامل جواب‌گوی معضل‌هایی چون قاچاق کودکان و زنان به قصد فحشا به کشورهای توریستی جهان مانند حوزه‌ی خلیج فارس و برخی کشورهای اروپایی و آمریکایی باشد. در جامعه‌ی بین‌المللی نیز به این موضوع توجه شده و اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی تحت عنوان پیشگیری، منع و مجازات قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان و همچنین اسناد منطقه‌ای نظیر کنوانسیون اتحادیه‌های آسیای شرقی معروف به کنوانسیون سارس راجع به پیشگیری و مبارزه با قاچاق زنان و کودکان برای مبارزه با روسپی‌گری تصویب شده است.

فصل اول: پیامدهای قاچاق انسان

این پدیده‌ی شوم، تبعات منفی و ناگواری در پی دارد که در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی بررسی می‌شود.

مبحث اول: آثار شخصی

گفتار اول: خدشه‌دار شدن کرامت انسانی

کرامت انسانی که قرآن کریم^۱ از آن نام می‌برد اختصاص به مردان ندارد؛ بلکه جامعه‌ی انسانی را شامل می‌شود؛ حال اگر زنان به مثابه کالا خرید و فروش شوند در حقیقت شأن و کرامت انسانی آنها مخدوش شده است. آموزه‌های دینی، قطع نظر از توصیف‌های بلند و انسان‌شناسانه‌ی فلسفی از آدمی، به طور عینی با آنچه که این شأن و حیثیت را نادیده می‌گیرد مبارزه نموده و حتی در مواردی برای نقض آشکار شأن انسانی، ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی کرده است.^۲ اسلام همچنین مبادله‌ی انسان آزاد را که به معنای فروکاستن انسان به کالا، مال و رفتار سودگرایانه با اوست، به شدت نکوهش می‌کند. از امام صادق (ع) نقل شده است که: « خداوند در روز قیامت هر گناهی را می‌بخشد جز نپرداختن مهریه‌ی همسر، عدم پرداختن دستمزد اجیر و فروختن انسان آزاد». زنانی که در دام قاچاقچیان گرفتار می‌شوند اولین چیزی که از دست می‌دهند شخصیت انسانی است. آنان همچون کالایی در دست اربابان، دست به دست شده و از خود اختیار و استقلال ندارند. قاچاقچیان انسان، آنها را همانند ماشین و اسلحه و اجناس دیگر در آژانس‌های معاملاتی خرید و فروش می‌کنند. اندام آنها را برای جلب مشتری به نمایش می‌گذارند و حتی در بعضی از این آژانس‌ها، حراج ماهانه برگزار می‌کنند.^۳

گفتار دوم: بهره‌کشی جنسی

این زنان و کودکان در مقابل انواع استثمار و بهره‌کشی‌های مختلف جنسی همانند همجنس‌بازی، روابط غیرطبیعی، سوءاستفاده جهت تبلیغات، عکس و تصویر و ... آسیب‌پذیر هستند؛ با این حال قاچاق زنان، به استثمار جنسی محدود نمی‌شود بلکه ازدواج‌های اجباری، کار اجباری در بازار، مزارع کشاورزی و کارخانجات بافندگی، تکدی‌گری در خیابان‌ها و دیگر خدمات را هم شامل

۱- سوره اسراء؛ آیه ۷۰.

۲- نوبهار، رحیم؛ دین و کرامت انسانی، مجموعه مقالات همایش بین المللی میانی نظری حقوق بشر، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۴، ص ۶۱۳.

۳- بهروزی، مریم؛ حجاب و آزادی، مجموعه سخنرانی کنفرانس زن، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص ۱۳۷.

می‌شود. در محیط‌هایی که زنان قربانی قاچاق، به کار واداشته می‌شوند، کارفرمایان، گذرنامه و مدارک شناسایی یا اجازه‌ی تردد آنان را ضبط می‌کنند تا مانع از فرار آنها شوند؛ خصوصاً که در بسیاری از کشورها نداشتن اوراق شناسایی و گذرنامه برای اتباع خارجی مجازات سنگینی دارد.^۱

گفتار سوم: ابتلا به بیماری

زنانی که از طریق قاچاق وارد روسپی‌گری می‌شوند تأثیر بسیاری بر انتقال ویروس H.I.V دارند. مطالعات نشان داده است زنانی که در مراکز فساد فعالیت می‌کنند به احتمال بسیار در ۶ ماه اول فعالیت خود، به ویروس ایدز مبتلا می‌شوند. این امر در مورد زنان قربانی قاچاق، به مراتب شدیدتر است؛ زیرا اکثر این زنان به اجبار به روسپی‌گری کشیده می‌شوند و در مورد تماس با افراد، از خود اختیاری ندارند. بنابراین، احتمال آلوده‌شدن آنان به ویروس ایدز به مراتب بیشتر از زنان هرزه‌ای است که به اختیار خود به روسپی‌گری روی می‌آورند.^۲

مبحث دوم: آثار مخرب خانوادگی

خانواده به عنوان مهم‌ترین فاکتور جهت جامعه‌پذیری کودکان، نقش به‌سزایی در رشد و تعالی یک جامعه یا بالعکس ابزاری جهت تباهی کودک و در نتیجه جامعه‌ی مربوطه دارند. در خود خانواده نیز نقش نخست و برتر تربیت اطفال بر عهده‌ی مادر است. اگر درون خانواده‌ای مادر نتواند بنابر هر دلیلی نقش خود را آن‌طور که شایسته و بایسته است ایفا نماید؛ در نتیجه، پروسه‌ی آموزش ارزش‌ها و اجتماعی‌شدن اطفال با مانع روبه‌رو می‌شود.

مبحث سوم: آثار مخرب اجتماعی منفی

قاچاق زنان از کشور اسلامی ایران، می‌تواند حیثیت ملی و اسلامی نظام را مخدوش کند؛ چراکه معمولاً کشورهای مبدأ قاچاق زنان، کشورهای فقیری هستند که دچار انواع نابسامانی‌های اجتماعی می‌باشند؛ نظیر کشورهای حوزی بالکان و جمهوری‌های شوروی سابق که از شدت فقر،

۱- رمضان نرگسی، رضا؛ قاچاق زنان در فقدان بایدها و نبایدها، فصل نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال پنجم، شماره ۱۹، بهار ۸۲، ص ۲۸.
۲- همان؛ ص ۳۰.

حاضر به هرکاری ولو خودفروشی هستند. از این رو، پایگاه‌های ضد انقلاب در خارج از کشور، با بزرگ‌نمایی مسأله‌ی قاچاق زنان در ایران، تلاش دارند تا چهره‌ی جمهوری اسلامی ایران را در نزد جهانیان مخدوش کرده و چنین وانمود کنند که وضع اجتماعی در ایران بسیار نابسامان است؛ به حدی که مردم از شدت فقر و مشکلات معیشتی، دختران خود را می‌فروشند. این در حالی است که این امر در ایران نیز سابقه دارد؛ به یک مورد گزارش زیر توجه کنید:

«یک دختر ۱۳ ساله به دلیل اعتیاد پدر، به مرد ۳۵ ساله‌ای که فروشنده‌ی مواد مخدر بود در مقابل ۱۰۰ هزار تومان فروخته شد».^۱

مبحث چهارم: آثار اقتصادی و سیاسی

در کنار پیامدهای انسانی، اجتماعی و روانی که در پدیده‌ی قاچاق انسان وجود دارد انگیزه‌ها و تبعات سیاسی و اقتصادی متعددی نیز در آن مطرح است که بسیاری از آنها موضوعات و نکات جدیدی می‌باشد.

بند اول: پولشویی

گروه کاری اقدام مالی برای مبارزه با پولشویی^۲ وابسته به سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۳، چهار تهدید اساسی پدید آمده از معضل جهانی پولشویی را چنین برشمرده است:

الف) کوتاهی در مبارزه با پولشویی، سودآوری فعالیت‌های مجرمانه یا غیرقانونی را برای مجریان آسان‌تر می‌گرداند.

ب) کوتاهی در مبارزه با پولشویی، سازمان‌های مجرم را در تأمین مالی فعالیت‌های مجرمانه و گسترش آن فعالیت‌ها آزادتر می‌گذارد.

ج) امکان به کارگیری شبکه‌ی مالی رسمی از سوی پولشویان، خطر فسادپذیری نهادهای مالی و کل بخش مالی اقتصاد ملی را به همراه می‌آورد.

۱- همان؛ ص ۳۵.

2-FATA.

3-OECD.

د) انباشت قدرت و ثروت توسط مجرمان و گروه‌های بزه‌کار - برخوردار از امکان پولشویی - تهدیدی جدی برای اقتصادهای ملی و به ویژه برای نظام‌های دموکراتیک به شمار می‌آید. علاوه بر اینها، بر پایه‌ی یافته‌های پژوهش انجام شده در صندوق بین‌المللی پول و نیز به استناد گزارش ارائه شده توسط مدیر عامل صندوق مزبور در سال ۱۹۹۸، انحراف تحلیل‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی، پولشویی به شمار می‌آیند.

مهم‌ترین آثار منفی اقتصادی پدیده‌ی پولشویی عبارتند از:

۱. تضعیف بخش خصوصی.
۲. تضعیف یکپارچگی و تمامیت بازارهای مالی.
۳. کاهش کنترل دولت بر سیاست‌های اقتصادی.
۴. اختلال و بی‌ثباتی در اقتصاد.

بنابراین، مشاهده می‌شود که با پدیده‌ی پولشویی، قاچاقچیان انسان، بسیاری اوقات ثروت خود را که از راه نامشروع به دست آورده‌اند در جاهایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که هم مجدداً سود بسیاری عاید ایشان می‌کند و هم منبعی برای جلب مجدد قربانیان می‌شود. همچنین این افراد دارای وجهه‌ی اجتماعی بسیار مثبتی می‌شوند که برای ادامه‌ی روند فعالیت کثیفشان بسیار موثر است. صرف‌نظر از بعد اقتصادی و فرهنگی که بسیاری اوقات باعث بی‌ثباتی و تضعیف وضعیت اقتصادی کل جامعه می‌شود، از بعد سیاسی نیز گاهی این سازمان‌های جنایتکار می‌توانند موجبات تضعیف بسیاری از دولت‌ها را فراهم کنند.

فصل دوم: نگاهی تطبیقی تدابیر ملی و فراملی

مبحث اول: حمایت از هویت خصوصی قربانیان

گفتار اول: فراملی

بسیاری از قربانیان جرم قاچاق انسان، از آن رو که از امنیت خویش بی‌مناک‌اند، یا از رسوایی و بدنامی خود یا خانواده‌ی خود هراسناک‌اند، یا از اقدامات قضایی علیه خود می‌ترسند از روبرو شدن با مقامات صلاحیت‌دار و اعلام جرم یا طرح شکایت علیه قاچاقچیان که معمولاً با افشای هویت آنها همراه است، پرهیز می‌کنند. بنابراین تأمین امنیت قربانیان که در فرایند شناسایی و همکاری با مقامات صلاحیت‌دار (اعم از پلیس یا دادرسان) قرار می‌گیرند از مهم‌ترین وظایف

دولت‌هاست و از مناسب‌ترین تدابیر حمایتی که امنیت قربانیان را تأمین می‌کند، محرمانگی هویت و زندگی خصوصی آنهاست؛ زیرا با افشای هویت، آدرس و جزئیات زندگی خصوصی بزه‌دیدگان و آدرس آنها، خطر انتقام از آنها و خانواده‌ی آنها را افزایش می‌دهد؛ یا خطر بدنامی و رسوایی را برای آنها چه در جامعه‌ی مبدأ و چه در جامعه‌ی مقصد به همراه دارد. از جمله اقداماتی که می‌تواند مانع از افشای هویت بزه‌دیدگان شود و به تأمین امنیت آنها کمک کند تدابیر مناسب دادرسی کیفری است؛ مانند محرمانه و غیرعلنی بودن دادرسی‌ها و ممانعت از حضور افراد در جلسات دادرسی، تحمیل قانونی برخی ممنوعیت‌ها بر رسانه‌ها مثل محدودیت نمایندگان رسانه‌ها از حضور در دادرسی یا محدودیت انتشار اطلاعات و جزئیاتی است که هویت قربانیان جرم را افشا می‌کند؛ همچنین دادگاه‌ها باید از این حق برخوردار شوند که در موارد مقتضی هویت قربانیان جرم را محرمانه اعلام کنند یا از مواجهه متهم و شهود اجتناب کنند.

گفتار دوم: ملی

در حقوق ایران، قانون مبارزه با قاچاق انسان، حکم خاصی در مورد حمایت از هویت، زندگی خصوصی و داده‌های شخصی بزه‌دیدگان قاچاق انسان پیش‌بینی نکرده است؛ ولی با توجه به اینکه قانون یاد شده، برخی بزه‌دیدگان قاچاق انسان را مجرم محسوب کرده است، این دسته همانند سایر محکومان و متهمان از تصمیمات حقوقی مربوط مثل منع هتک حرمت و حیثیت از آنان از طریق افشای هویت، برخوردارند.^۱ تدبیر مزبور حتی اگر افشای هویت قربانیان برخی مصادیق قاچاق انسان را جرم و شیوع فحشا قلمداد کنیم^۲ تأمین‌کننده‌ی اهداف حمایت از هویت و زندگی خصوصی بزه‌دیده‌ی قاچاق انسان نیست. با آنکه قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، آیین صحیح دسترسی به اطلاعات را تنظیم و معرفی می‌کند و در ماده‌ی ۱۶ آن، یکی از مهم‌ترین استثنائات دسترسی به اطلاعات را، به خطر افتادن جان یا سلامت افراد مقرر می‌کند اما قانون مزبور اصولاً مانع برخی از اقدامات قضایی دادرسان کیفری به هنگام رسیدگی به جرایم که به افشای هویت قربانیان می‌انجامد و مستند به اصول و قواعد سنتی آیین دادرسی انجام

۱- اصل ۳۹ قانون اساسی.

۲- تبصره ماده ۶۹۷ ق.م.ا.

می‌گیرد، نیست؛ چنانکه برخی الزامات قانونی مقرر در قانون آئین دادرسی کیفری در مورد ذکر نام و سایر مشخصات در شکوائیه، احضاریه و حتی کیفرخواست یا برگزاری علنی محاکمات و دادرسی‌ها (اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ماده‌ی ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری) از قوانینی است که اجرای آنها می‌تواند ضمن افشای هویت قربانیان، امنیت و موقعیت اجتماعی آنها را در موطن خود ویران و با خطر و مشکل مواجه کند. بنابراین به نظر می‌رسد الحاق به برخی از اسناد بین‌المللی مثل کنوانسیون جرایم سازمان‌یافته‌ی فراملی و پروتکل الحاقی آن موسوم به پروتکل «پالمو» می‌تواند زمینه‌های لازم را برای قانونگذار در اصلاح برخی از مقررات جزایی به گونه‌ای فراهم کند که با حمایت از هویت و زندگی خصوصی بزه‌دیدگان قاچاق انسان به تأمین امنیت آنها مدد رساند.^۱

مبحث دوم: تأمین سلامتی جهانی بزه‌دیدگان

گفتار اول: فراملی

تمامیت و سلامت جهانی بزه‌دیدگان قاچاق انسان با انواع تهدیدات، خشونت‌ها و بیماری‌ها مواجه است؛ اما به‌ویژه بزه‌دیدگانی که با مقامات صلاحیت‌دار همکاری می‌کنند و اطلاعاتی را در اختیار مأمورین مربوط قرار می‌دهند که در تعقیب گروه‌های جنایت‌کار و قاچاقچیان مؤثر است، همواره در معرض تهدید و ارباب یا خطر انتقام قرار می‌گیرند تا آنان را وادار به سکوت و عدم همکاری کنند؛ بنابراین یکی از وظایف و مسئولیت‌های دولت‌ها تأمین امنیت و حمایت جسمانی از قربانیان از جمله در مقابل هرگونه تعدی یا انتقام‌گیری گروه‌های جنایت‌کار است؛ زیرا تهدید یا ایجاد مخاطره برای سلامتی بزه‌دیدگان، گذشته از آنکه بزه‌دیدگی جدید است، در برخی موارد به فرصت و سرعت اجرای عدالت زیان می‌رساند یا سایر قربانیان را از کمک به اجرای عدالت دلسرد می‌کند و مانع از ایفای نقش مناسب قربانی می‌شود؛ از این رو در پاره‌ای از کشورها مثل فرانسه، تهدید شاکی برای استرداد شکایت از زمره‌ی جرایم علیه عدالت قضایی قلمداد می‌شود.

۱- عینی، محسن؛ تأمین امنیت، جبران خسارت و بازگشت به وطن بزه‌دیدگان قاچاق انسان در اسناد فراملی، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، پژوهشها، شماره ۱۹ - ۱۳۹۰، ص ۲۸.

کنوانسیون جرایم سازمان یافته‌ی «پالمو» نیز با درک این واقعیت در مواد ۲۴ و ۲۵، تأمین سلامت جسمانی بزه‌دیدگان و شهود را مورد تصریح قرار داده است. به دنبال آن پروتکل پالمو با زبانی ضعیف و غیر الزامی در بند ۵ ماده‌ی ۶ فقط به تلاش دولت‌ها برای تأمین امنیت قربانیان و مادامی که در قلمروی آنها هستند نه الزاماً تا قبل از رسیدن به وطنشان، اشاره کرد. برخی از اقداماتی که سلامت قربانیان را تأمین می‌کند دارای ماهیت قضایی‌اند و اجرای آنها معمولاً با اصلاح مقررات آئین دادرسی کیفری و دلایل اثباتی، امکان پذیر است.

گفتار دوم: ملی

از نظر قانون مبارزه با قاچاق انسان، بزه‌دیدگان جرم قاچاق انسان در پاره‌ای موارد به عنوان مرتکب جرم قابل تعقیب‌اند و ظاهراً شهادت آنها علیه قاچاقچیان به استناد مقررات فصل پنجم قانون آئین دادرسی کیفری (ماده‌ی ۱۵۵ و تبصره‌ی ۳ ق.آ.د.ک) قابل قبول نیست و تنها ممکن است به استناد ماده‌ی ۱۵۶ ق.آ.د.ک، از اطلاعات آنها بدون اتیان سوگند استفاده کرد. از سوی دیگر تدابیر خاصی مثل تحقیق از شهود و مطلعان به طور جداگانه و بدون حضور متهم (ماده‌ی ۱۵۱ ق.آ.د.ک) تأسیس‌کننده‌ی اهداف اسناد فراملی برای تأمین سلامت قربانیان نیست و برخی از تدابیر سنتی قانونی آئین دادرسی کیفری می‌تواند موجبات تهدید یا اجرای اقدامات تلافی-جویانه را علیه قربانیانی که با پلیس یا مقامات قضایی ایران همکاری می‌کنند فراهم کند؛ از این رو به نظر می‌رسد الحاق به کنوانسیون جرایم سازمان یافته و پروتکل‌های مربوط به اصلاح برخی از مقررات می‌تواند تحقق سلامت بزه‌دیدگان (شهود) را بهتر تأمین کند.^۱

مبحث سوم: جبران سلامت

گفتار اول: فراملی

در فرایند انجام جرم خشن و غیرانسانی قاچاق انسان معمولاً قربانیان متحمل صدمات و خسارات مادی و روانی زیادی می‌شوند و بهره‌کشی اقتصادی و تجاری از آنها منافع نامشروع زیادی را

۱- همان؛ ص ۳۲.

نصیب قاچاقچیان می‌کند. از این رو دریافت غرامت و جبران خسارات وارده بر بزه‌دیدگان، گامی ضروری برای غلبه بر آسیب‌های تحمیلی است و به قربانی کمک می‌کند که در پرتوی اجرای عدالت، زندگی خویش را سامان دهد.

ادعای جبران خسارت می‌تواند شامل مواردی چون صدمات ناشی از خشونت جهانی و روانی، مخارج پزشکی، دستمزدهای پرداخت نشده یا بسیار کم، بازپرداخت مخارج غیرقانونی پرداختی از جانب قربانی برای آژانس‌های کار و استخدام یا به خاطر حمل و نقل، جریمه‌های تحمیلی به بزه‌دیدگان که توسط قاچاقچیان به‌خاطر اصطلاحاً رفتارهای بد بزه‌دیدگان وصول شده است، کسورات نامشروع مفرط و فریب‌کارانه از دستمزدها به خاطر اجاره، امرار معاش، مالیات و ... باشد. با استناد به اعلامیه‌ی اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت، ادعای خسارت، به موارد مزبور محدود نمی‌شود و می‌تواند شامل خسارات مهم وارده به محیط زیست نیز باشد. همچنین مطابق بند A/۱۱ اعلامیه‌ی اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت، در مواردی که مقامات رسمی با نقض مقررات ملی به وقوع جرم قاچاق انسان کمک کرده باشند قربانی می‌تواند از دولت به خاطر صدمات وارده مطالبه‌ی خسارت کند. جبران خسارت فقط به قربانی محدود نیست و شامل خانواده و وابستگان قربانی متوفی یا محجور و ناتوان به لحاظ جسمانی و روانی نیز می‌شود (بند B/۱۲ اعلامیه‌ی مزبور).

گفتار دوم: ملی

در ایران، قانون مبارزه با قاچاق انسان یا سایر مقررات، فاقد حکمی خاص در مورد جبران خسارات قربانیان بزه قاچاق انسان است و وفق قانون مزبور، پاره‌ای از بزه‌دیدگان قاچاق انسان به عنوان مجرم قابل تعقیب‌اند؛ اما به نظر می‌رسد قربانی قاچاق انسان می‌تواند بر اساس مقررات عمومی از جمله قانون مدنی یا قانون مجازات اسلامی، پاره‌ای از خسارات مادی و دستمزد خود را، یا در مواردی دیه یا ارش‌البکاره را از طریق فرایند دادرسی مدنی یا کیفری در دادگاه‌های عمومی و به طرفیت مرتکب مطالبه کند. همچنین با آنکه برخی تلاش‌ها به منظور ایجاد

صندوق حمایت از بزه‌دیدگان انجام شده است؛^۱ اما حمایت از بزه‌دیدگان جرم مزبور در پرتو تدابیر حمایتی افتراقی و اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی، ثمربخش‌تر است؛ بنابراین وضع مقررات مناسب و ایجاد صندوق اختصاصی برای تضمین جبران خسارت بزه‌دیدگان جرم قاچاق انسان یا ارائه‌ی کمک‌های فوری به آنها با دخالت گروه‌های مردم‌نهاد و خیریه و با کمک گرفتن از اموال مصادره شده‌ی قاچاقچیان ضروری است.

فصل سوم: سیاست‌های جنایی داخلی و بین‌المللی

مبحث اول: کنش‌های تقنینی

منظور از کنش‌های تقنینی، تدابیر اتخاذی مقنن در قبال قاچاق است. این واکنش‌ها طیف وسیعی از مجازات‌ها را در بر می‌گیرند که از جزای نقدی تا اعدام را شامل می‌شوند؛ زیرا واکنش مقننه‌ی جلوه‌های اولیه‌ی قاچاق انسان مثل زنا و قوادی که برگرفته از متون فقهی است، از تازیانه تا اعدام در نوسان است. از طرف دیگر مجازات‌های غیرحدی در نظر گرفته شده برای بعضی از این مصادیق نیز اغلب حبس یا جزای نقدی است. برای نمونه براساس ماده‌ی ۲۱۱ و ۲۱۳ قانون مجازات عمومی سابق، کسی که از فحشای زنی امرار معاش کند یا او را در فاحشه‌گی کمک نماید و همچنین تشویق افراد به فساد اخلاقی و شهوت‌رانی و ارتکاب قوادی، دایرکردن فاحشه‌خانه و تسهیل مسافرت زنان برای فحشا به خارج از کشور، مستحق تحمل حبس و جزای نقدی بود.

یکی از نکات قابل توجه در ماده‌ی ۲۱۳، قاچاق زنان به قصد ارتکاب فحشا در خارج از کشور است. همچنین حمایت افتراقی از کودکان و توجه به موقعیت مرتکب در بند ۴ ماده‌ی ۲۱۱ از نقاط قوت این قانون است؛ زیرا براساس این بند، وادارکردن افراد کمتر از ۱۸ سال به فساد و فحشا و ارتکاب این عمل از سوی پدر یا مادر یا قیم یا یکی از اشخاص دیگر مذکور در قسمت اخیر بند الف ماده‌ی ۲۰۷ همان قانون موجب تشدید مجازات مرتکب است. براین پایه، تحت تأثیر اسناد بین‌المللی و تعهدات ناشی از آن اسناد، بهره‌کشی از فحشای دیگران، قانوناً جرم و

۱- ذاقلی، عباس؛ قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی، چاپ اول، پائیز ۱۳۸۹، ص ۲۱۴.

قابل مجازات بود. در آن دوران، ارتکاب اعمال منافی عفت (ماده‌ی ۲۱۰ قانون مجازات عمومی) و ارتباط نامشروع (ماده‌ی ۲۱۲ و بند ب ماده‌ی ۲۰۷ قانون مجازات عمومی) نیز جرم‌انگاری شده بود. همچنین به موجب ماده‌ی ۵ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی، تمایل به ارتکاب فحشا یا امرار معاش از این طریق، بزه‌کاری به عادت محسوب و موجب نگهداری مرتکب در تبعیدگاه برای مدت نامعینی بود. ضمن اینکه دادگاه می‌توانست به جای حبس، دستور نگهداری کسی را که از راه فحشا امرار معاش می‌کند در یک کارگاه کشاورزی یا صنعتی برای مدت نامعین بدهد.

افزون بر این موارد، در سیاست جنایی ایران، برخی از واکنش‌های غیرکیفری هم برای پدیده‌ی فحشا در نظر گرفته شده است که در قوانین متفرقه می‌توان آنها را ملاحظه کرد؛ برای نمونه می‌توان به ممنوعیت نمایش هرگونه فیلم در سالن‌های عمومی و سینماها و عرضه یا فروش آنها در بازار فروش، چنانچه متضمن اشاعه‌ی اعمال رذیله و فساد و فحشا باشد،^۱ اشاره کرد.

رسیدگی به اموال و دارایی دایرکنندگان اماکن فحشا و فساد^۲ و لزوم عدم اشتها به فساد اخلاقی و بی‌بندوباری (فحشا و تهتک) برای داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها^۳ را می‌توان ذکر کرد. پراکندگی قوانین مربوط به مبارزه با مصادیق مختلف بهره‌کشی از افراد در حقوق ایران مانع از اتخاذ یک سیاست جنایی منسجم و کارآمد در این رابطه شده است. واکنش‌های پراکنده در این زمینه موجب عدم انسجام در واکنش‌های در نظر گرفته شده برای این موارد شده است. لیکن از مجموع این واکنش‌ها چنین بدست می‌آید که قانونگذار در اغلب این موارد با محور قراردادن واکنش‌های قهرآمیز و سرکوب‌گر و آن هم از سوی دولت، یک الگوی سیاست جنایی اقتدارگرای فراگیر را به نمایش گذاشته است.^۴

مبحث دوم: کنش‌های قضایی

تا قبل از تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان، رویه‌ی قضایی برای یافتن بهترین پاسخ در قبال

۱- بند ۷ ماده ۳ آیین نامه نظارت به نمایشی فیلم و اسلاید و ویدئو و صدور پروانه نمایش مصوب سال ۱۳۶۱ هیئت وزیران و بند ۶ ماده ۳ ضوابط نظارت برنمایش و صدور پروانه مصوب سال ۱۳۷۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۲- بند ۹ ماده ۵ قانون اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۶۳.

۳- پاراگراف الف آئین نامه گزینش اخلاقی داوطلبان ورود به دانشگاهها مصوب ۱۳۶۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۴- حسینی، سیدمحمد؛ سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سمپ، ۱۳۸۳، ص ۱۲۲.

مصادیقی از قاچاق انسان دچار تشّت و سردرگمی بود. بدین سان برای مطالعه‌ی عملکرد محاکم دادگستری و طرز تلقی قضاوت از قاچاق انسان که نزد آنها مطرح شده است چند نمونه از این آرا را بررسی می‌کنیم. از مجموع این آرا دو رویکرد مختلف قابل استخراج است:

گفتار اول: فحشا در رویه‌ی قضایی

پیرو گزارش مورخ ۸۳/۱۲/۶ معاونت اطلاعات پلیس امنیت تهران بزرگ، اعضای باند اغفال و انتقال دختران به کشورهای عربی معروف به «باند دختران حامد» دستگیر شده‌اند. حسب محتویات این پرونده، خانمی علاوه بر خودفروشی در «دبی» با اغفال زنان شوهردار و دختران، آنان را به «دبی» برده و در «دیسکو دلف» به نمایش می‌گذاشته است. در این رابطه تعدادی از هم‌دستان وی که مبادرت به اعزام دختران به خارج از کشور می‌کرده و آنان را در اختیار فرد دیگری می‌گذاشته‌اند، دستگیر شده‌اند. حسب تحقیقات انجام‌شده، این افراد با هدایت رئیس باند با حضور در دیسکوی مذکور مبادرت به رقاصی و ارتباط نامشروع می‌کرده‌اند. پس از تکمیل تحقیقات در این زمینه و ارجاع پرونده به دادگاه، به موجب دادنامه‌ی شماره‌ی ۸۴/۶/۳۰-۱۲۳۹ صادره از شعبه‌ی ۱۰۸۴ دادگاه عمومی جزایی تهران، خانم مذکور به اتهام تشویق به فساد و فحشا به تحمل هجده ماه حبس و از حیث برقراری رابطه‌ی نامشروع به تحمل پنجاه ضربه شلاق تعزیری محکوم شده است. همچنین آقای مذکور نیز به اتهام تشکیل خانه‌ی فساد و تشویق به فساد و فحشا به یک سال حبس و از حیث برقراری رابطه‌ی نامشروع به تحمل شصت ضربه شلاق تعزیری محکوم شده است.

گفتار دوم: آدم ربایی در رویه‌ی قضایی

حسب محتویات پرونده‌ی کلاسه‌ی ۶۱۸۷/۸۱ شعبه‌ی ۶۴ دادگاه عمومی مشهد موسوم به پرونده‌ی «قربانیان خاموش»، تعداد ۲۵ نفر از دختران کم سن و سال ایرانی که غالباً از افراد فقیر و بی‌بضاعت استان خراسان بوده‌اند، توسط عده‌ای از اتباع پاکستانی تحت پوشش ازدواج، اغفال و به پاکستان برده شده و در این کشور وادار به خودفروشی شده‌اند. محتویات این پرونده گویای این واقعیت است که تعدادی از دختران اغفال شده، مجبور بوده‌اند روزانه با تعداد زیادی از مردان رابطه‌ی جنسی داشته باشند. درآمد حاصل از این رابطه نیز توسط قاچاقچیان اخذ و به آنان داده نمی‌شده است.

دادگاه رسیدگی کننده به این پرونده ابتدائاً اتهامات ۴۲ نفر از متهمان دستگیر شده در این پرونده را اخلال در امنیت داخلی و افساد فی الارض تشخیص داده و با قرار عدم صلاحیت، پرونده را به محاکم انقلاب ارسال کرده است اما به دلیل عدم پذیرش استدلال دادگاه فوق از سوی دادگاه انقلاب مشهد و حدوث اختلاف، پرونده به دیوان عالی کشور ارسال و نهایتاً شعبه‌ی ۱۶ دیوان عالی کشور با اعلام صلاحیت محاکم عمومی، پرونده را اعاده نموده است. پس از رسیدگی به این موضوع در دادگاه عمومی مشهد و حسب دادنامه‌ی شماره‌ی ۴۴۷/۶۲۱۱ مورخ ۸۱/۱۲/۲۷، متهمان مذکور به اتهام ورود و اقامت و تردد غیرمجاز از مرز، ازدواج غیر قانونی با دختران ایرانی و معاونت در این امر و همچنین آدمربایی از طریق حيله و اغفال و انتقال افراد به خارج از کشور به انگیزه‌ی فحشا و بعضاً معاونت در آدمربایی و فراهم نمودن موجبات فحشا و ارتکاب فعل حرام، به حبس‌های طولی‌المدت و سایر مجازات‌های تعزیری محکوم شده‌اند. اعتراض تعدادی از محکومین به دادنامه‌ی فوق نیز به موجب دادنامه‌ی شماره‌ی ۳۱۷-۲۹۶۴ - ۸۲/۱۰/۳۰ شعبه‌ی اول دادگاه تجدید نظر استان خراسان مردود اعلام شده است لیکن پس از تجدیدنظرخواهی سه نفر از محکومین دیگر، شعبه‌ی پنجم تشخیص دیوان عالی کشور، محکومیت آنها را به اتهام آدمربایی و معاونت در آن، نقض و اتهام آنان را مصداق بند ب ماده‌ی ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی و در حد تشویق دیگران به فساد و فحشا و فراهم آوردن موجبات آن تشخیص داده است (دادنامه‌های شماره‌ی ۱۷۵۴ و ۱۷۵۳ و ۱۷۵۲ و ۵).

چنانکه ملاحظه می‌شود تا قبل از تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳، در رویه‌ی قضایی ایران با مصادیق قاچاق انسان به دو گونه‌ی متفاوت رفتار شده است. آن گونه که در دو پرونده‌ی اول توضیح داده شد در مواردی که قاچاقچیان به گونه‌ای رفتار کرده‌اند که رضایت نسبی افراد قاچاق شده را برای قاچاق شدن به دست آورده‌اند، اتهام آنها در حد فراهم کردن موجبات فساد و فحشا و دایر کردن مرکز فساد و فحشا، تفهیم شده و به همین دلیل مجازات کمتری نیز برای آنان در نظر گرفته شده است. در این رویکرد، افراد قاچاق شده نیز به اتهام ارتکاب زنا، رابطه‌ی نامشروع یا فعل حرام، مجازات شده‌اند؛ در حالی که در رویکرد دوم، به دلیل اغفال و فریب بزه‌دیدگان و با احراز اینکه افراد قاچاق شده با حسن نیت، کشور را ترک کرده اما گرفتار چرخه‌ی قاچاق شده‌اند اتهام مرتکبین سنگین‌تر انتخاب شده و با مجازات

سنگین تری نیز روبه‌رو شده‌اند. در این موارد اتهام مرتکبین اصلی، آدم‌ربایی تفهیم شده و این افراد به حبس‌های طولانی محکوم شده‌اند. افزون بر این، در بادی امر، دادگاه بدوی اتهام آنها را تا اخلال در امنیت داخلی و افساد فی الارض نیز توسعه داده است. همچنین در این پرونده هیچ یک از افراد قاچاق شده، به خاطر اعمال ارتكابی در خارج از کشور تحت تعقیب قرار نگرفته‌اند. نکته‌ی دیگری که در این راستا باید ذکر کرد این است که همان‌گونه که در پرونده‌ی دوّم مشاهده می‌شود به‌رغم اینکه اقدامات تبهکارانه‌ی متهمین پس از تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان ۱۳۸۳ ارتکاب یافته‌است اما قضات رسیدگی‌کننده به پرونده، توجهی به این قانون نداشته‌اند. بر این پایه، به نظر می‌رسد تلقی رویه‌ی قضایی این است که در مواردی که افراد قاچاق شده با آگاهی از وضعیت آینده‌ی خود مبادرت به ترک کشور می‌کنند و در حقیقت با رضایت مبادرت به همکاری با قاچاقچیان می‌کنند، عمل ارتكابی قاچاقچیان مشمول قانون مبارزه با قاچاق انسان نیست و در حقیقت رویه‌ی قضایی آن را قاچاق انسان تلقی نمی‌کند؛ ضمن اینکه افراد قاچاق شده را نیز مستحق مجازات می‌داند. بدیهی است، رویه‌ی مذکور که از سوی دادگاه‌های تجدیدنظر نیز مورد تأیید قرار گرفته، مخالف قانون مبارزه با قاچاق انسان است؛ زیرا در این قانون، قاچاق افراد به قصد فحشا حتی با رضایت آنها نیز قاچاق انسان است. البته علت این امر را باید در اعتقادات ذهنی قضات و تأثیر پذیری آنها از موازین شرعی در ارتباط با فحشا دانست؛ زیرا براساس این تأثیرپذیری، رویه‌ی قضایی حاضر به پذیرش بزه‌دیده بودن قاچاق شدگان در غیر از موارد اجبار نیست؛ به همین دلیل بر خلاف سیاست جنایی سازمان ملل که در پروتکل قاچاق انسان تبلور یافته و رضایت بزه‌دیدگان را مؤثر در مقام نمی‌داند، سیاست جنایی قضایی ایران رضایت اولیه‌ی قاچاق شدگان را برای خروج از گستره‌ی قاچاق انسان کافی می‌داند و افراد مذکور را نیز قابل مجازات می‌داند. شاید بتوان عامل به وجود آمدن این رویه را در قانون مبارزه با قاچاق انسان جستجو کرد؛ زیرا در قانون مذکور مجازات قاچاق انسان در وهله‌ی اول، به قانون مجازات اسلامی احاله شده است. در قانون مجازات اسلامی نیز علاوه بر بحث زنا و لواط و سایر اعمال خلاف عفت که از قواعد خاص خود از حیث مبرّی بودن افراد از مسئولیت پیروی می‌کند، ماده‌ی ۶۳۹ همان قانون، یکی از نزدیک‌ترین مقررات به قاچاق انسان است و رویه‌ی قضایی نیز با تجویز قانون مبارزه با قاچاق انسان با استناد به این ماده، هم قاچاقچی و هم قاچاق شدگان را

مجرم می‌داند. بدین‌سان، قانون مبارزه با قاچاق انسان عملاً کارایی خود را از دست داده و قادر به برآورده کردن اهداف مورد نظر مقنن در زمینه‌ی تعقیب مؤثر قاچاقچیان، حمایت از بزه‌دیدگان و پیشگیری نیست؛ زیرا در عمل قانون فوق نقش یک واسطه را ایفا می‌کند؛ به این ترتیب که دادرس دادگاه از طریق این قانون به قانون دیگری عمل می‌کند در حالی که نیازی به این امر نیست. بنابراین این قانون در بسیاری از موارد به طور مستقل، غیرقابل استناد خواهد بود در حالی که هدف از وضع قانون، مبارزه با قاچاق انسان، رفع خلاء قانونی در این زمینه و برآوردن نیازهای جدید در امر مبارزه با پدیده‌ی نوظهوری بنام قاچاق انسان است.^۱

فصل چهارم: نگاهی به ابعاد قاچاق انسان در جهان امروزی

در مورد قاچاق زنان، ذکر این نکته لازم است که تقریباً هیچ نقطه‌ای از جهان را نمی‌توان یافت که به نوعی از این پدیده و پیامدهای شوم آن برکنار باشد. اما برخی از مناطق جهان به طور سنتی و یا به دلایل دیگر، بیشتر با آن دست به گریبان هستند و این مسأله در آنجا نمود بیشتری دارد.

مبحث اول: قاره‌ی اروپا

پس از فروپاشی کمونیسم، تجارت زنان و دختران کشورهای اروپای شرقی و مرکزی و همچنین جمهوری‌های شوروی پیشین، افزایش چشم‌گیری یافته است. به گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت، شمار این زنان در کشورهای مزبور بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار نفر در سال برآورد می‌شود. در بسیاری از این کشورها مجازاتی برای قاچاقچیان انسان وجود ندارد و احتمال شناسایی و دستگیری این قاچاقچیان بسیار اندک است (گزارش منتشره بر روی تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۲/۲۲). حتی سازمان بین‌المللی مهاجرت به استناد گفته‌های زنان قربانی آلبانیایی معتقد است که ده درصد از نیروی انتظامی این کشور با قاچاقچیان انسان همکاری می‌کنند.^۲

به طور کلی تجارت با بدن زنان و دختران در اروپا هیچ‌گاه به اندازه‌ی امروز پول‌ساز نبوده است و آمارهای گروه کارشناسان شورای اروپا در گزارشی درباره‌ی تجارت زنان اروپای شرقی به

۱- ذاقلی، عباس؛ قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی، ص ۱۴۹.

۲- عیاجی، مریم؛ حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، تهران، ۱۳۸۰، چاپ اول، انتشارات مجد، ص ۸۶.

عنوان بردگان هزاره‌ی سوّم نشان می‌دهد که میزان درآمد ناشی از این تجارت، سالانه تا ۱۳ میلیارد دلار می‌باشد. همچنین زنان، گاه تا هجده بار خرید و فروش می‌شوند. در همین گزارش آمده است که زنان در مواردی به قیمت ۱۵۰ دلار خریده می‌شوند و همین که پایشان به ایتالیا رسید، به نرخ ۵۰۰۰ دلار به دلالان فروخته می‌شوند. این بردگان جدید پس از فروخته شدن در ایتالیا باید بتوانند ماهانه تا ۲۵ هزار دلار برای صاحب خود درآمد ایجاد کنند. همچنین طبق گزارش کتاب «برده‌ها» از پینو آراکی، مدیر کل پیشین دفتر کنترل مواد مخدر و پیش‌گیری از جنایات سازمان ملل متحد، شمار زنانی که به کارهای خلاف اخلاق مشغول هستند و در کشورهای اتحادیه‌ی اروپا کار می‌کنند، به بیش از ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر می‌رسد که دو - سوّم آنها از اروپای شرقی آمده‌اند و یک - سوّم دیگر از کشورهای درحال توسعه هستند. میزان قاچاق مهاجران زن و کودک از اروپای شرقی و مرکزی، پس از بازشدن مرزهای جنگ سرد در یک دهه‌ی پیش، بسیار بالا رفته است. در واقع مشکل اصلی قاچاق زنان در این منطقه از اوایل ۱۹۹۰ آغاز شد که پس از فروپاشی حکومت‌های کمونیستی در آن منطقه و افزایش بحران‌های اقتصادی، بسیاری از این زنان جهت فرار از فقر و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای رسیدن به وضعیتی بهتر جلای وطن کردند. بنابر گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت، قاچاق انسان از این منطقه که زمانی ناچیز بوده هم اکنون معادل مبادی سنتی همانند آسیا، آفریقا و جزایر کارائیب شده است.^۲

ذکر این نکته حائز اهمیت است که بسیاری از زنان جوانی که قاچاق می‌شوند می‌دانند که در صنعت سکس کار خواهند کرد اما در زمینه‌ی ماهیت یا شرایط کار فریب می‌خورند. برخی از آنها موافقت می‌کنند تا در کار جنسی «ملایم‌تر» همچون نمایش‌های برهنه یا کلپ‌ها کار کنند اما بعداً به روسپی‌گری وادار می‌شوند؛ حتی برخی از آنها می‌پذیرند که در خارج به عنوان روسپی کار کنند و انتظار دارند که به سرعت پول درآورند و پس از مدتی کوتاه به میهن خود بازگردند اما به جای آن در بازار به یک واسطه یا روسپی‌خانه فروخته می‌شوند و سپس به وسیله‌ی تهدید یا اسارت یا بدهی، در اوضاع و احوالی ناهنجار به دام می‌افتند.

۱- همان؛ ص ۹۱.

۲- همان؛ ص ۳۴.

آمارهای موجود نشان می‌دهند که میان هفتصد هزار تا دو میلیون زن و کودک هر سال مورد قاچاق در سراسر جهان قرار می‌گیرند که حدود پانصد هزار نفر آنان در اتحادیه‌ی اروپا می‌باشند. هم‌اکنون اتحادیه‌ی اروپا تخمین می‌زند که حدود پانصد هزار زن و دختر هر ساله به صورت مهاجر غیرقانونی وارد اروپا می‌شوند و سندیکاهای جنایتکاران قاچاق انسان را به گسترده‌ترین بخش کسب و کار خود مبدل ساخته‌اند. هر ساله ده‌ها مهاجر که می‌کوشند از کشورهای بالکان یا شمال آفریقا عبور کنند در سواحل ایتالیا و اسپانیا پیاده می‌شوند؛ از میان آنانی که به این کار دست می‌زنند هزاران نفر کارشان به کار اجباری، روسپی‌گری یا کار سخت می‌انجامد تا بتوانند بدهی خود را به قاچاقچیان پرداخت کنند.

گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل حاکی است که تجارت زنان در سطح جهان در آغاز قرن جدید در حال افزایش است و این امر نتیجه‌ی جهانی شدن اقتصاد است. بخش اعظم تجارت زنان و دختران در کشورهای آسیایی انجام می‌شود ولی زنان اروپای شرقی نیز بیش از پیش به این ورطه کشیده می‌شوند. براساس این گزارش، سالانه حدود دو میلیون دختر بین ۵ تا ۱۵ ساله به کارهای ناشایست و خلاف اخلاق سوق داده می‌شوند و پنج هزار زن و دختر نیز قربانی تعصبات می‌شوند.

مبحث دوم: قاره‌ی آسیا

سازمان بین‌المللی مهاجرت می‌گوید که در آسیا مسیر اصلی تجارت زنان و کودکان از ویتنام و تایلند به کامبوج، چین و سنگاپور است. قربانیان زن مجبورند در مراکز فحشا و یا در کارگاه‌های کشور مقصد در بدترین شرایط کار کنند و یا وادار به ازدواج اجباری شوند. به خاطر وجود همین مشکلات مربوط به قاچاق زنان، رئیس‌ان پلیس کشورهای جنوب شرق آسیا تصمیم گرفته‌اند همکاری میان خود را در مبارزه با قاچاق دختران و زنان برای فروش به مراکز فساد افزایش دهند.^۱ به طور کلی حل جامع مشکل قاچاق زنان و کودکان در کشورهای آسیای جنوبی از قبیل هند، نپال و بنگلادش نیازمند استقرار نهادها، قوانین و سیاست‌های کارآمد است.

۱- همان؛ ص ۵۱.

«رادیکالو مارا سوامی» گزارش‌گر سازمان ملل متحد در امور مبارزه با خشونت علیه زنان، اعلام کرد که قاچاق زنان و دختران به صورت یک «صنعت پر رونق» در این منطقه از جهان درآمد است.^۱ زنان، قربانیان اصلی این قاچاق جهت کشیده شدن به ورطه‌ی انحطاط و فساد هستند؛ اما پسران، دختران و همچنین زنان، از دیگر قربانیان برای انجام خدمات خانگی و یا کار اجباری محسوب می‌شوند. شرایط موجود در برخی خانه‌های فساد در شهرهای بمبئی و کلکته یادآور «اعمال دوران برده‌داری» است و دختران در این خانه‌ها می‌گویند که آنان بر خلاف میل خود در این مکان نگهداری می‌شوند و به منظور تسلیم شدن به خواسته‌های نامشروع، هدف شکنجه، ضرب و جرح و محرومیت از آب و نان قرار می‌گیرند. به طور کلی آمار قطعی در این منطقه موجود نیست اما سازمان‌های غیردولتی در بنگلادش تخمین زده‌اند که سالانه بین ۱۰ تا ۱۵ زن و دختر قربانی قاچاق وارد هند می‌شوند. سازمان‌های غیردولتی نیز شمار سالانه قربانیان قاچاق از این کشور به هند را بین ۵ تا ۱۵ هزار نفر برآورد کرده‌اند.^۲

فصل پنجم: قاچاق انسان در پرتو اسناد بین‌المللی

مبحث اول: کنوانسیونها

گفتار اول: کنوانسیون منع برده‌داری

همان‌گونه که در تعریف یاد شده از قاچاق انسان در کنوانسیون «پالمو» و همچنین قانون مبارزه با قاچاق انسان آمده است یکی از مواردی که باعث تحقق جرم مذکور می‌گردد حمل و نقل و ترانزیت افراد به قصد بردگی است. اصولاً می‌توان گفت که قاچاق انسان شکل جدیدی از بردگی سنتی محسوب می‌گردد؛ همچنان که به ویژه از سال ۱۹۹۰ و پس از انحلال «پیمان ورشو»، تجارت زنان در اروپا تحت عنوان «بردگی سفید» انجام می‌شود؛^۳ به همین جهت و به دلیل رابطه و نسبت نزدیکی که قاچاق انسان و زنان، با برده‌داری و تجارت برده داشته است لازم است به موازات بررسی و ملاحظه‌ی اسناد مربوط به مبارزه با خرید و فروش و قاچاق انسان، به تلاش‌هایی که در

۱- گزارش منتشره بر روی تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۱۰/۷.

۲- عباچی، مریم؛ حقوق کفیری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، ص ۴۱.

۳- میرمحمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۷۷، ص ۳۱۶.

سطح بین‌المللی برای مبارزه با برده‌داری و الغای آن صورت گرفته است نیز اشاره شود. البته شایان ذکر است که در خصوص سابقه‌ی منع بردگی، علاوه بر ۲۶ سند و معاهده‌ی بین‌المللی که قبل از سال ۱۹۴۵ و منشور لندن به این جرم اشاره کرده‌اند پس از این تاریخ نیز بیش از ۴۰ سند و معاهده‌ی بین‌المللی برده‌داری، تجارت برده و نهادهای مشابه را منع نموده‌اند؛ بنابراین در حال حاضر بیش از ۷۰ سند و معاهده‌ی بین‌المللی در مورد این جرم وجود دارد.^۱

گفتار دوم: کنوانسیون پالمو و پروتکل دوم الحاقی به آن

جامعه‌ی بین‌الملل اگرچه دیر هنگام به این امر توجه نموده بود ولی روند تحولات در این زمینه نسبتاً به سرعت انجام گرفت و تا آخرین روزهای دهه ۱۹۹۰ و هزاره‌ی دوم، کنوانسیون بین‌المللی جامعه در پالمو به امضای دولت‌ها رسید.^۲

به هر حال آخرین کنوانسیون بین‌المللی که تاکنون به بحث پیرامون مبارزه با قاچاق انسان پرداخته است کنوانسیون پالمو در دومین پروتکل الحاقی به آن تحت عنوان «پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان» می‌باشد که در نوامبر سال ۲۰۰۰ میلادی در پالموی ایتالیا به تصویب رسیده است.

اما آنچه که در مورد هدف این پروتکل تذکر آن لازم به نظر می‌رسد این است که هدف این پروتکل مبارزه با هرگونه قاچاق اشخاص، چه مرد و چه زن تعیین گردیده است. البته از آنجا که آسیب‌پذیری زنان و کودکان در این خصوص بیشتر است تأکید ویژه‌ای بر آنها گذاشته شده است؛ ضمن اینکه هدف این پروتکل بر خلاف برخی از اسناد پیشین، صرفاً جلوگیری از قاچاق زنان و وضع تدابیری جهت پیشگیری از رویداد این جرم نیست بلکه خواهان برعهده‌گرفتن نقش فعال‌تری از سوی دولت‌ها جهت سرکوب این جرم گشته و الزامات مجرمانه‌ساختن قاچاق زنان را در قوانین داخلی خویش بر دولت‌های متعاقد تحمیل می‌کند.

در واقع پروتکل، هدف مجازات‌کردن قاچاقچیان انسان را با جدیت دنبال می‌کند. حفاظت از قربانیان قاچاق انسان، پیشگیری، همکاری و دیگر تدابیر از جمله اهداف دیگر پروتکل است.

۱- همان؛ ص ۵۱.

۲- سلیمی، صادق؛ جرایم سازمان یافته فراملی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوق بین الملل، جلد اول، ۱۳۸۲، ص ۹/۱.

مبحث دوم: عهدنامه‌ها

گفتار اول: مقاله‌نامه بین‌المللی ۴ مه ۱۹۱۰ راجع به جلوگیری از خرید و فروش

سفیدپوستان

برای رفع نقیصه‌ی فوق‌الذکر، حدود شش سال بعد در ۴ مه سال ۱۹۱۰ میلادی نیز قرارداد بین‌المللی دیگری تحت عنوان «قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از خرید و فروش سفیدپوستان» در پاریس به امضا رسید که در واقع مکمل کنوانسیون ۱۹۰۴ بود. در ماده‌ی ۱ این قرارداد آمده است: «هرکسی برای انجام هوی و هوس دیگری، زنی را ولو با رضایت خودش باشد، یا دختر صغیری را برای فسق اجیر و جلب و یا از راه عفت منحرف سازد ولو اینکه عملیات مختلفه که مبانی جرم محسوب می‌شود در ممالک مختلفه صورت گرفته باشد باید مجازات شود»^۱. قابل ذکر است در این قرارداد، هرگونه بهره‌کشی جنسی به هر نحو ممکن عملی خلاف حقوق بشر است و رضایت زن مفعول نیز در تغییر ماهیت غیرانسانی این عمل اثری ندارد.

نکته‌ی شایان ذکر در خصوص قرارداد مذکور این است که صرفاً قاچاق زنان به قصد بهره‌کشی جنسی را جرم‌انگاری کرده است و قاچاق زنان که با مقاصد دیگر از انواع بهره‌کشی ممکن است صورت بگیرد همچنان دارای نقص تقنینی است؛ به عنوان مثال، اگر قاچاق زنان به منظور ازدواج اجباری و یا کار مشقت‌بار و سخت صورت بگیرد از شمول این قرارداد، تخصصاً خارج بود. قابل ذکر است با آغاز جنگ جهانی اول، اغلب امضاکنندگان دو سند فوق به صورت دشمن یکدیگر درآمدند و نتیجتاً اجرای مفاد این اسناد عملاً به حال تعلیق درآمد.^۲

گفتار دوم: قرارداد بین‌المللی ۳۰ سپتامبر ۱۹۲۱ الغای خرید و فروش نسوان و

کودکان

در تاریخ سی‌ام سپتامبر سال ۱۹۲۱ میلادی نیز قرارداد بین‌المللی دیگری با عنوان «قرارداد بین‌المللی الغای خرید و فروش نسوان و کودکان» با هدف تکمیل کردن و تأیید دوباره‌ی^۳ دو

۱- همان؛ ص ۲۰.

۲- گلان، گرد هاردفن؛ حقوق میان دولتها، درآمدی بر حقوق بین‌الملل عمومی، محمد حسین حافظیان، ج دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۹، صص ۲-۵۸۱.

3-Reaffirmation.

سند بین‌المللی قبل، به تصویب تعداد قابل توجهی از دولت‌ها رسید که براساس مفاد این قرارداد، دول متعاقد توافق نمودند اقدامات لازم را برای تجسس و مجازات کسانی که مبادرت به معامله - ی نسوان و یا کودکان می‌نمایند، معمول دارند. همچنین مطابق ماده‌ی ۳ این قرارداد حتی شروع به جرم معامله‌ی نسوان و کودکان، جرم شناخته شد و مقرر گردید ولو این که دولت‌های متعاقد، قرارداد استرداد مجرمین بین خود را نداشته باشند برای استرداد اشخاصی که متهم به جرائم فوق هستند اقدام نمایند. در این سند، دیگر صرفاً اشاره‌ای به زنان سفیدپوست نشده است و ظاهراً به همین دلیل باید گستره‌ی این سند را در خصوص تمامی کشورها جاری دانست. معاهدات فوق در تاریخ چهاردهم دی ماه سال ۱۳۱۰ به تصویب مجلس شورای ملی ایران رسید (ماده واحدی قانون اجازه‌ی الحاق دولت ایران به قراردادهای بین‌المللی پاریس و ژنو راجع به جلوگیری از رفتار جنایت آمیز نسبت به زنان و کودکان، مصوب ۱۳۱۰).

حاصل سخن و پیشنهادها:

بسیاری از تحلیل‌گران بر این اعتقادند که آنچه که امروزه به صورت جرم قاچاق انسان مطرح می‌باشد و در جهان کنونی ابعاد بسیار هراس‌انگیزی پیدا کرده است نسبت و رابطه‌ای با مسائل بردگی دارد که سرانجام در اواخر سده‌ی نوزدهم و ابتدای سده‌ی بیستم پس از قرن‌ها ملغی گردید ولیکن برخی از ابعاد و رویه‌های مشابه آن به گونه‌ای همچنان باقی مانده است. حجم عظیم قاچاق زنان که به صورت یک موج از ابتدای دهه‌ی ۱۹۹۰ شدت گرفت از نظر برخی از تحلیل‌گران، مشابهتی با برده‌داری و خرید و فروش برده داشته است؛ از همین رو می‌توان قاچاق انسان را «بردگی نوین» یا «شکل مدرن بردگی» نامید.

قاچاق انسان امری بسیار پیچیده است که گروه‌های جنایتکار سازمان‌یافته به گونه‌ای فزاینده درگیر آن می‌شوند. همچنین بهره‌کشی از انسان به هیچ وجه به بهره‌کشی جنسی محدود نمی‌شود و ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد که کار اجباری، ازدواج اجباری، کار دشوار خانگی و دیگر رویه‌های بهره‌کشانه را نیز شامل می‌شود. البته هنوز هم قاچاق زنان به منظور روسپی‌گری و یا دیگر انواع بهره‌کشی جنسی، مهم‌ترین مقصود قاچاق را تشکیل می‌دهد. یکی از معمول‌ترین نوع قاچاق انسان که به دلیل سود سرشار آن مطمحن نظر گروه‌ها و باندهای سازمان‌یافته می‌باشد قاچاق زنان و دختران برای استفاده از آنان در مکان‌های فساد و فحشا و وادار کردن آنها به

روسی‌گری و بعضاً به کارگیری آنها به عنوان پیش خدمت می‌باشد.

در حال حاضر تجارت دختران و زنان جوان توسط باندهای قاچاق انسان از نقاط مختلف جهان به اروپا و دیگر مناطق جهان، ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است. قاچاقچیان انسان، زنان و دختران جویای کار را با وعده‌ی شغل مناسب و درآمد سرشار، فریب می‌دهند و آنان را چون بردگان و اسیران قرون گذشته در انبار کشتی‌ها پنهان می‌کنند و با وضع رقت‌باری به کشورهای اروپایی یا دیگر کشورهای مقصد می‌رسانند. اما بسیاری از این مهاجران غیرقانونی به چنگ باندهای مافیایی می‌افتند و سر از مراکز فساد درمی‌آورند. افزایش قاچاق زنان و دختران به خاطر سود سرشاری که نصیب قاچاقچیان می‌کند به صورت یک فاجعه‌ی جهانی درآمده است. دولت‌ها نیز با همه‌ی کوشش‌ها و اجرای طرح‌هایی جهت مبارزه با این پدیده‌ی شوم، هنوز نتوانسته‌اند توفیقی در جهت جلوگیری از قاچاق زنان به دست آورند.

کشور جمهوری اسلامی ایران نیز خطر این جرم فراملی را به خوبی احساس کرده و اقداماتی را نیز در این زمینه از جمله تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان در تیر ماه ۱۳۸۳ انجام داده است. تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۲۸ توسط مجلس شورای اسلامی، با توجه به اینکه در قوانین داخلی تا قبل از تصویب این قانون، قانون خاصی که کاملاً مربوط به این عنوان مجرمانه باشد تصویب نشده بود گام بزرگی است که خلاءهای موجود را تا حد زیادی پوشش می‌دهد. علاوه بر این، با توجه به تعریف ارائه شده در این قانون از قاچاق انسان که شباهت قابل توجهی به تعریف مقرر در کنوانسیون ۲۰۰۰ دارد در حقیقت چارچوب قانونی جهت تعریف جرم تا حدود زیادی در اختیار مقامات رسیدگی‌کننده قرار داده شده که خود مانع بزرگی در جهت تجاوز به حقوق و آزادی‌های مردم و آزادی رفت و آمد تلقی می‌گردد.

شاید یکی از عمده‌ترین ایرادات وارده بر این قانون را بتوان مربوط به مسأله‌ی حمایت از بزه‌دیدگان و پیشگیری از وقوع جرم دانست. حمایت از اشخاص بزه‌دیده در این قانون تا حدی نادیده گرفته شده است و در مواد قانونی به آن تصریح نگردیده که تا حدی این شبهه را بوجود می‌آورد که اشخاص قاچاق شده نه به عنوان بزه‌دیده بلکه تا حدودی به عنوان بزه‌کار تلقی شوند که این نگرانی در مورد بزه‌دیدگان موجب خواهد شد که مجنی علیه این جرایم از طرح موضوع با دستگاه‌های ذی‌ربط خودداری نماید. از طرفی این امر باعث شد که نه تنها پیشگیری از جرم محقق

نگردد بلکه راه برای شناسایی باندهای بزه‌کار از طریق راهنمایی بزه‌دیدگان کاملاً مسدود گردد.

با توجه به نتایجی که مورد اشاره قرار گرفت موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

- قانونگذار با استفاده از اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی تعریفی جامع و کامل از جرم قاچاق انسان ارائه نماید، خصوصاً اینکه مقاصد و اهداف مطرح شده در قانون مبارزه با قاچاق انسان حصری می‌باشد.

- قانونگذار به طور صریح نسبت به خسارت‌های مالی و معنوی وارد شده به مجنی علیه جرم قاچاق انسان، تعیین تکلیف نموده و همان‌طور که در قوانینی مثل قانون مسئولیت مدنی به ضرورت جبران آن تصریح شده است حکم به جبران این نوع خسارت‌ها نیز در جرم قاچاق انسان مجاز شناخته شود و بند دوم ماده‌ی ۹ قانون آئین دادرسی کیفری که در قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری حذف شده است بصورت اولیه ابقا گردد و از طرفی دیگر در خود قانون مبارزه با قاچاق انسان نیز به این امر صراحتاً اشاره نماید.

- در موارد مقتضی با همکاری سازمان‌ها و تشکلهای غیردولتی و مردمی، موارد ذیل را برای قربانیان قاچاق انسان فراهم آورد: ارائه‌ی مسکن مناسب، ارائه‌ی مشاوره و دادن اطلاعات لازم به خصوص در مورد حقوق قانونی آنها، کمک پزشکی، روانی و مادی، ایجاد فرصت‌های شغلی، تحصیلی و تربیتی برای قربانیان این جرم.

- توصیه می‌شود اقدامات و تدابیر لازم در جهت پیشگیری از قاچاق اشخاص از طرف دولت به

عمل آید من جمله:

الف- اتخاذ تدابیری از قبیل تحقیق و اطلاع رسانی و تبلیغات رسانه‌های گروهی و ابتکارات اجتماعی و اقتصادی.

ب- کاهش دادن و به حداقل رساندن عواملی که موجب آسیب پذیری اشخاص، به خصوص

زنان و کودکان در مقابل قاچاق می‌شود؛ مثل فقر، توسعه نیافتگی و فقدان فرصت‌های برابر.

ج- تقویت کنترل‌های مرزی در مبادی ورودی و خروجی و مسیر طول سفر.

منابع:

الف) منابع فارسی:

- ۱- اشتری، بهناز؛ قاچاق زنان، بردگی معاصر، سال ۱۳۸۰، انتشارات اندیشه برتر.
- ۲- بهروزی، مریم؛ حجاب و آزادی، مجموعه سخنرانی کنفرانس زن، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- ۳- حسنی نژاد، حسنتلی؛ حقوق کیفری بین‌المللی، ۱۳۷۳، تهران، نشر میزان.
- ۴- حسینی، سیدمحمد؛ سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سمپ، ۱۳۸۳.
- ۵- ذاقلی، عباس؛ قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی، چاپ اول، پائیز ۱۳۸۹، نشر میزان.
- ۶- رمضان نرگسی، رضا؛ قاچاق زنان در فقدان بایدها و نبایدها، فصل نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال پنجم، شماره ۱۹، بهار ۸۲.
- ۷- سلیمی، صادق؛ جرایم سازمان یافته فراملی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوق بین‌الملل، جلد اول، ۱۳۸۲.
- ۸- عباچی، مریم؛ حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، تهران، ۱۳۸۰، چاپ اول، انتشارات مجد.
- ۹- عبادی، شیرین؛ تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران، تهران، ۱۳۷۲، روشنگران.
- ۱۰- عینی، محسن؛ تامین امنیت، جبران خسارت و بازگشت به وطن بزه‌دیدگان قاچاق انسان در اسناد فراملی، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، پژوهش‌ها، بهار ۹۰، شماره ۱۹.
- ۱۱- قرآن کریم.
- ۱۲- دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری؛ قوانین و مقررات مربوط به زنان در ایران، تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۳- گلان، گرد هاردفن؛ حقوق میان دولتها، درآمدی بر حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه محمد حسین حافظیان، تهران، ج دوم، ۱۳۷۹، نشر میزان.
- ۱۴- مقاله بین‌المللی امضا شده در پاریس مورخ ۱۸ مه ۱۹۰۴، نقل شده از: هدایتی، محمدعلی،

- مجموعه قراردادهای بین‌المللی چندجانبه ایران، ۱۳۴۵، تهران: تابان.
- ۱۵- میر محمد صادقی، حسین؛ حقوق جزای بین‌الملل، چاپ اول، ۱۳۷۷، نشر میزان.
- ۱۶- نوبهار، رحیم؛ دین و کرامت انسانی، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی مبانی نظری حقوق بشر، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۴.

ب) منابع انگلیسی:

- 1- United Nations, Beijing Declaration And plat Form Action, with the Beijing+5, political Declaration And outcome, New York, 2001, p.155.
- 2- United Nations, from Nairobi to Beijing, new York: opcit , 1995, p.126.



Consequences, Measures and National and International Criminal Policy through the Phenomenon of Human Trafficking

Mohammad Reza POUR GHORBANI, Ahmad POUR EBRAHIM

Abstract:

Preserving, respecting and being bound to the human dignity is one of the fundamental principles of divine religions and international documents of human right. Benefiting from such worthy moral and divine virtues in order to provide the basis of human growth and development exclusively depends on maintaining the primary rights and regarding the principle of inherent dignity of the human. Accordingly, concepts and issues of human right and being bound and observing it in international systems and national legal systems is of a great importance.

Denying any exploitation, humiliation, and torture is one of the first infrastructural layers of human rights which are known as the Negative Human rights or Social Taboos. Although according to Jean- Jacques Rousseau, famous French philosopher and jurist, man is born free, but in the process of social life and adaptation to social conditions deviates from his pure nature in different ways. Many people in the modern world are subjected to oppression and extortion and even different levels of instances of slavery such as contempt, humiliation and prostitution.

The current research is an effort to analyze the irreparable consequences of this phenomenon on human society and also beyond it, there is a view to the measures and Domestic and International Criminal Policy through that.

Key words:

human trafficking- modern slavery- prostitution- international conventions- organized crimes.